





دانشگاه پیام نور
مرکز تهران

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه: **موسیقی شعر سایه**

استاد راهنما: دکتر بهناز پیامنی

استاد مشاور: دکتر فاطمه کوپا

نگارش: مهری بیابانگرد

تیر ماه سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱

سپاسگزاری

« من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق »

در ابتدا از زحمات استاد بزرگوارم خانم دکتر پیامنی که با نهایت دلسوزی همواره پشتیبان و حامی اینجانب در کلیه مراحل این پروژه بوده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. خداوند منان را سپاسگزارم که توفیق شاگردی ایشان را نصیب اینجانب نمود. امیدوارم خداوند یزدان یار و نگهدار ایشان باشد. همچنین از خانم دکتر کویا به خاطر راهنمایی‌های ارزنده و موثرشان کمال تشکر را دارم. و نیز از جناب آقای دکتر عباسی که الطاف گرانقدر ایشان را هیچگاه از خاطر نخواهم برد، نهایت تشکر را دارم. امیدوارم خداوند در تمام مراحل زندگی توفیق روزافزون نصیب ایشان فرماید. در نهایت از همسر عزیزم که در روند انجام پروژه، به ویژه در روند ویرایش و تصحیح پایان‌نامه، مجدانه یاور من بوده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم و برای ایشان از درگاه خداوند متعال آرزوی موفقیت و سلامتی دارم. یقیناً بیان این چند جمله هرگز نخواهد توانست جبران زحمات این عزیزان باشد، ولی گفتم تا به حق، مصداق این بیت از غزل خواجه شیراز باشد که:

این شرح بی‌نهایت کز زلف یار گفتند حریفست از هزاران کاندر عبارت آمد

« یا حق »

تقدیم به

پدر بزرگووارم که سپیدموی
گشت، تا من سپیدروی
گردم.

مادر مهربانم که حسّ خوب
دعاهایش در لحظه‌هایم
جاری‌ست.

و همسر عزیزم که لطفش
همچون باران، زلال و بی-
دریغ است.

چکیده

هوشنگ ابتهاج (ه.ا.سایه)، از جمله شاعران برجسته‌ی معاصر است. که آشنایی او با علم موسیقی موجب گردیده، توجه ویژه‌ی به موسیقی شعر خویش داشته باشد. به گونه‌ای که می‌توان موسیقی شعر سایه را، ستون فقرات شعر او دانست.

در این پایان‌نامه جلوه‌های گوناگون موسیقی شعر سایه، در دو مجموعه‌ی «سیاه‌مشق» و «تاسیان»، به صورت کامل و جامع بررسی شده است، که می‌توان به موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (قافیه و ردیف)، موسیقی درونی (صنایع لفظی) و موسیقی معنوی (صنایع معنوی) اشاره کرد؛ برای تشریح بهتر موسیقایی بودن شعر سایه، نمونه‌های زیبا و شاخص، برای هر یک از جلوه‌های موسیقی شعر سایه ذکر شده است. نهایتاً تحلیلی بر هر یک از جلوه‌های موسیقی شعر سایه انجام گرفت و برای برخی موضوع‌های مرتبط، جهت توضیح بهتر، نتایج بصورت جدول و نمودار نمایش داده شد.

واژگان کلیدی: هوشنگ ابتهاج، شعر معاصر، موسیقی شعر، تاسیان، سیاه‌مشق، وزن، بحر

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات و تعاریف

- ۱- کلیات و تعاریف..... ۱
- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۲-۱- شعر چیست؟..... ۲
- ۳-۱- موسیقی چیست؟..... ۴
- ۴-۱- پیوند موسیقی و شعر..... ۵
- ۵-۱- سایه کیست؟..... ۶
- ۶-۱- آثار سایه ۷
- ۷-۱- طرح و تبیین مساله نمونه..... ۸
- ۸-۱- فرضیه‌ی تحقیق..... ۹
- ۹-۱- پیشینه‌ی تحقیق..... ۹
- ۱۰-۱- ترسیم ساختار پایان‌نامه ۱۲

فصل دوم: موسیقی بیرونی (وزن)

- ۲- موسیقی بیرونی (وزن)..... ۱۵
- ۱-۲- تعاریف و دیدگاه‌ها..... ۱۵
- ۲-۲- تعریف وزن ۱۶
- ۳-۲- ارتباط وزن و ماهیت موسیقی..... ۱۷
- ۴-۲- وزن‌های شعر سایه..... ۱۸
- ۵-۲- بررسی وزن‌های اشعار سایه ۱۸
- ۲-۵-۱- بحر مضارع مثنی‌اخر مکفوف محذوف (مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن)..... ۲۰
- ۲-۵-۲- مجتث مثنی‌مخبون محذوف (مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن)..... ۲۱
- ۲-۵-۳- مجتث مثنی‌اصلم (مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فع لن)..... ۲۲
- ۲-۵-۴- رمل مثنی‌مخبون محذوف (فعلاتن فعلاتن فع لن)..... ۲۴
- ۲-۵-۵- رمل مثنی‌اصلم (فاعلاتن فعلاتن فع لن)..... ۲۴

- ۶-۵-۲- هزج مثنیٰ اِخْرَب مَكْفُوف مَحْذُوف (مَفْعُول مَفَاعِيل مَفَاعِيل فَعُولن)..... ۲۵
- ۷-۵-۲- هزج مثنیٰ سَالِم (مَفَاعِيلن مَفَاعِيلن مَفَاعِيلن مَفَاعِيلن)..... ۲۶
- ۸-۵-۲- مَجْتَث مثنیٰ مَخْبُون (مَفَاعِلن فَعَالَتِن مَفَاعِلن فَعَالَتِن)..... ۲۶
- ۹-۵-۲- رَمَل مثنیٰ مَحْذُوف (فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن فَاعِلن)..... ۲۷
- ۱۰-۵-۲- هزج مثنیٰ اِخْرَب (مَفْعُول مَفَاعِيلن مَفْعُول مَفَاعِيلن)..... ۲۷
- ۱۱-۵-۲- رَجَز مثنیٰ مَطْوِي مَخْبُون (مَفْتَعِلن مَفَاعِلن مَفْتَعِلن مَفَاعِلن)..... ۲۷
- ۱۲-۵-۲- هزج مثنیٰ مَكْفُوف مَحْذُوف (مَفَاعِيل مَفَاعِيل مَفَاعِيل فَعُولن)..... ۲۸
- ۱۳-۵-۲- رَمَل مثنیٰ مَخْبُون (فَعَالَتِن فَعَالَتِن فَعَالَتِن فَعَالَتِن)..... ۲۸
- ۱۴-۵-۲- رَجَز مثنیٰ مَخْبُون (مَفَاعِلن مَفَاعِلن مَفَاعِلن مَفَاعِلن)..... ۲۸
- ۱۵-۵-۲- هزج مَسْدَس اِخْرَب مَقْبُوض (مَفْعُول مَفَاعِلن مَفَاعِلن)..... ۲۸
- ۱۶-۵-۲- رَجَز مثنیٰ سَالِم (مَسْتَفْعِلن مَسْتَفْعِلن مَسْتَفْعِلن مَسْتَفْعِلن)..... ۲۹
- ۱۷-۵-۲- مَضَارِع مثنیٰ اِخْرَب (مَفْعُول فَاعِلَاتِن مَفْعُول فَاعِلَاتِن)..... ۲۹
- ۱۸-۵-۲- رَجَز مَسْدَس مَرْقَل (مَسْتَفْعِلن مَسْتَفْعِلن مَسْتَفْعِلَاتِن)..... ۲۹
- ۱۹-۵-۲- رَمَل مثنیٰ سَالِم (فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن)..... ۲۹
- ۲۰-۵-۲- هزج مَسْدَس اِخْرَب مَقْبُوض مَحْذُوف (مَفْعُول مَفَاعِلن فَعُولن)..... ۲۹
- ۲۱-۵-۲- رَجَز مَسْدَس مَخْبُون (مَفَاعِلن مَفَاعِلن مَفَاعِلن)..... ۲۹
- ۲۲-۵-۲- رَجَز مثنیٰ مَطْوِي (مَفْتَعِلن مَفْتَعِلن مَفْتَعِلن مَفْتَعِلن)..... ۳۰
- ۲۳-۵-۲- هزج مَسْدَس مَحْذُوف (مَفَاعِيلن مَفَاعِيلن فَعُولن)..... ۳۰
- ۲۴-۵-۲- خَفِيف مَسْدَس مَخْبُون مَحْذُوف (فَاعِلَاتِن مَفَاعِلن فَعِلن)..... ۳۰
- ۲۵-۵-۲- مَتَقَارِب مثنیٰ سَالِم (فَعُولن فَعُولن فَعُولن فَعُولن)..... ۳۰
- ۲۶-۵-۲- رَمَل مثنیٰ مَشْكُول (فَعَالَتِن فَعَالَتِن فَعَالَتِن فَعَالَتِن)..... ۳۰
- ۲۷-۵-۲- رَمَل مَسْدَس مَكْفُوف مَحْذُوف (فَاعِلَاتِن فَاعِلَاتِن فَاعِلن)..... ۳۰
- ۲۸-۵-۲- هزج مثنیٰ اِخْرَب مَكْفُوف مَجْبُوب (مَفْعُول مَفَاعِيل مَفَاعِيل فَعِل)..... ۳۰
- ۶-۲- بررسی موسیقی بیرونی در مثنویهای موجود در سیاه مشق..... ۳۱
- ۱-۶-۲- رَمَل مَسْدَس مَخْبُون مَحْذُوف (فَاعِلَاتِن فَعَالَتِن فَعَالَتِن فَعَالَتِن)..... ۳۱
- ۲-۶-۲- سَرِيع مَطْوِي مَكْشُوف (مَفْتَعِلن مَفْتَعِلن فَاعِلن)..... ۳۱

- ۳۱-۶-۳-۲ هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)..... ۳۱
- ۳۱-۶-۴-۲ خفیف مسدس مخبون اصلم (فاعلاتن مفاعلن فع لن)..... ۳۱
- ۳۱-۶-۵-۲ متقارب مثنی محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل)..... ۳۱
- ۳۱-۶-۶-۲ رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)..... ۳۱
- ۳۲-۷-۲ بررسی موسیقی بیرونی در دوبیتی های سیاه مشق..... ۳۲
- ۳۲-۷-۱-۲ هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)..... ۳۲
- ۳۳-۸-۲ بررسی موسیقی بیرونی در رباعی های سیاه مشق..... ۳۳
- ۳۳-۸-۱-۲ هزج مثنی اخرج مکفوف محبوب (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل)..... ۳۳
- ۳۳-۸-۲-۲ هزج مثنی اخرج مقبوض ابتر (مفعول مفاعلن مفاعیلن فع)..... ۳۳
- ۳۴-۸-۳-۲ هزج مثنی اخرج مکفوف ابتر (مفعول مفاعیل مفاعیلن فع)..... ۳۴
- ۳۴-۸-۴-۲ هزج مثنی اخرج مقبوض محبوب (مفعول مفاعلن مفاعیل فعل)..... ۳۴
- ۳۴-۹-۲ بررسی موسیقی بیرونی در مجموعه ی تاسیان..... ۳۴
- ۳۴-۹-۱-۲ بحر رمل..... ۳۴
- ۴۱-۹-۲-۲ رمل مثنی مخبون محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن)..... ۴۱
- ۴۱-۹-۳-۲ رمل مثنی محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)..... ۴۱
- ۴۲-۹-۴-۲ خفیف مسدس مخبون اصلم (فاعلاتن مفاعلن فعلن)..... ۴۲
- ۴۲-۹-۵-۲ خفیف مسدس مخبون محذوف (فاعلاتن مفاعلن فعلن)..... ۴۲
- ۴۲-۹-۶-۲ هزج مسدس اخرج مقبوض محذوف (مفعول مفاعلن فعولن)..... ۴۲
- ۴۳-۹-۷-۲ مجتث مثنی مخبون اصلم (مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فعلن)..... ۴۳
- ۴۳-۹-۸-۲ بحر مضارع..... ۴۳
- ۴۶-۹-۹-۲ بحر هزج..... ۴۶
- ۴۷-۹-۱۰-۲ هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)..... ۴۷
- ۴۷-۹-۱۱-۲ منسرح..... ۴۷
- ۴۷-۹-۱۲-۲ منسرح مثنی مطوی منحور (مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع)..... ۴۷
- ۴۸-۹-۱۳-۲ بحر رجز..... ۴۸
- ۴۹-۹-۱۴-۲ مجتث..... ۴۹

- ۵۰-۹-۱۵- متقارب مثنوی محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل).....
- ۵۰-۹-۱۶- سریع مطوی مکشوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن).....
- ۵۸-۱۰-۲- تحلیل تناسب اوزان با محتوا در شعر سایه.....

فصل سوم: موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

- ۶۱-۳- موسیقی کناری (قافیه و ردیف).....
- ۶۱-۳-۱- تعاریف و دیدگاه‌ها.....
- ۶۲-۳-۲- ساختمان قافیه.....
- ۶۲-۳-۳- اهمیت قافیه در شعر.....
- ۶۳-۳-۴- قافیه در شعر آزاد.....
- ۶۴-۳-۵- دیدگاه سایه درباره‌ی قافیه.....
- ۶۴-۳-۶- نقش قافیه در شعر سایه.....
- ۶۵-۳-۶-۱- تاثیر قافیه بر موسیقی شعر.....
- ۶۵-۳-۶-۲- تشخیصی که قافیه به کلمات خاص هر شعر می‌بخشد.....
- ۶۶-۳-۶-۳- لذتی که قافیه از برآورده شدن یک انتظار به وجود می‌آورد.....
- ۶۷-۳-۶-۴- زیبایی معنوی یا تنوع در عین وحدت:.....
- ۶۸-۳-۶-۵- تنظیم فکر و احساس.....
- ۶۹-۳-۶-۶- استحکام شعر.....
- ۷۰-۳-۶-۷- ایجاد وحدت شکل.....
- ۷۱-۳-۶-۸- جدا کردن و تشخیص مصراعها.....
- ۷۱-۳-۶-۹- توجه دادن به زیبایی ذاتی کلمات.....
- ۷۲-۳-۶-۱۰- ایجاد قالب مشخص و حفظ وحدت.....
- ۷۳-۳-۷-۱- ردیف.....
- ۷۳-۳-۷-۱-۱- ردیف در شعر سایه.....
- ۷۴-۳-۸- تحلیل و بررسی موسیقی کناری در شعر سایه.....

فصل چهارم: موسیقی درونی

- ۷۷-۴- موسیقی درونی.....

- ٧٧.....١-٤-٤ تعاريف و ديدگاهها.
- ٧٨.....٢-٤-٢ جناس
- ٧٨.....١-٢-٤ جناس تام
- ٧٩.....٢-٢-٤ جناس مضارع
- ٧٩.....٣-٢-٤ جناس لاحق
- ٨٠.....٤-٢-٤ جناس زايد
- ٨٠.....٥-٢-٤ جناس ملحق به زايد
- ٨١.....٦-٢-٤ جناس مذيل
- ٨١.....٧-٢-٤ جناس مطرف
- ٨١.....٨-٢-٤ جناس مركب (مرفوع)
- ٨٢.....٩-٢-٤ جناس ناقص (محرّف)
- ٨٢.....١٠-٢-٤ جناس خط (مصحف)
- ٨٣.....١١-٢-٤ جناس اشتقاق
- ٨٣.....١٢-٢-٤ جناس شبه اشتقاق
- ٨٤.....١٣-٢-٤ جناس قلب
- ٨٤.....٣-٤-٣ سجع
- ٨٤.....١-٣-٤ سجع متوازي
- ٨٤.....٢-٣-٤ سجع متوازن
- ٨٥.....٣-٣-٤ سجع مطرف
- ٨٥.....٤-٤-٤ ازدواج (تضمن المزدوج)
- ٨٥.....٥-٤-٥ موازنه
- ٨٦.....٦-٤-٦ ترصيع
- ٨٦.....٧-٤-٧ تكرر
- ٨٧.....١-٧-٤ تكرر مصوت
- ٨٨.....٢-٧-٤ تكرر صامت (واجرايى)
- ٨٩.....٣-٧-٤ تكرر كلمه

- ۹۰-۷-۴-۴ تکرار مصراع یا بند ۹۰
- ۹۰-۷-۵-۴ تکرار عبارت ۹۰
- ۹۱-۸-۴-۴ طرد و عکس ۹۱
- ۹۱-۹-۴-۴ بررسی صدر، عروض، ابتدا و عجز در شعر سایه ۹۱
- ۹۱-۹-۱-۴ رد الصدر الى العجز ۹۱
- ۹۲-۹-۲-۴ ردالعجز الى الصدر ۹۲
- ۹۲-۹-۳-۴ ردالصدر الى الابتدا ۹۲
- ۹۳-۹-۴-۴ ردالعروض الى الابتدا ۹۳
- ۹۳-۹-۵-۴ ردالعروض الى العجز ۹۳
- ۹۳-۹-۶-۴ ردالابتدا الى العجز (ضرب) ۹۳
- ۹۳-۹-۷-۴ تحلیل و بررسی صنایع لفظی در شعر سایه ۹۳

فصل پنجم: موسیقی معنوی (صنایع معنوی)

- ۹۶-۵-۵ موسیقی معنوی (صنایع معنوی) ۹۶
- ۹۶-۵-۱-۵ تعاریف و دیدگاه‌ها ۹۶
- ۹۶-۵-۲-۵ مبالغه، اغراق و غلو در شعر سایه ۹۶
- ۹۹-۵-۳-۵ جمع در شعر سایه ۹۹
- ۱۰۰-۵-۴-۵ جمع با تقسیم در سایه ۱۰۰
- ۱۰۰-۵-۵-۵ جمع با تفریق در شعر سایه ۱۰۰
- ۱۰۱-۵-۶-۵ تجاهل العارف در شعر سایه ۱۰۱
- ۱۰۱-۵-۷-۵ مراعات النظیر در شعر سایه ۱۰۱
- ۱۰۳-۵-۸-۵ مطابقه و تضاد در شعر سایه ۱۰۳
- ۱۰۴-۵-۹-۵ پارادوکس (متناقض نما) در شعر سایه ۱۰۴
- ۱۰۵-۵-۱۰-۵ حس آمیزی در شعر سایه ۱۰۵
- ۱۰۶-۵-۱۱-۵ تلمیح در شعر سایه ۱۰۶
- ۱۰۷-۵-۱۲-۵ ایهام در شعر سایه ۱۰۷
- ۱۰۷-۵-۱۲-۱-۵ ایهام ۱۰۷

- ۱۰۸ ۲-۱۲-۵- ایهام تناسب
- ۱۰۹ ۳-۱۲-۵- ایهام تضاد
- ۱۱۰ ۴-۱۲-۵- ایهام چندگونه خوانی
- ۱۱۰ ۱۳-۵- استخدام در شعر سایه
- ۱۱۱ ۱۴-۵- تحلیل و بررسی موسیقی معنوی در شعر سایه
- ۱۱۴ نتیجه گیری

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۵۰.....	جدول ۱ تقسیم بندی اشعار سایه در کتاب سیاه مشق بر اساس بحر سرایش آن ها
۵۲.....	جدول ۲ بررسی غزلیات موجود در سیاه مشق بر اساس وزن سرایش آن ها
۵۵.....	جدول ۳ بررسی مثنوی های موجود در سیاه مشق بر اساس بحر سرایش آن ها
۵۵.....	جدول ۴ بررسی بحر هزج در رباعی های موجود در سیاه مشق
۵۵.....	جدول ۵ بررسی بحر هزج در دوبیتی های سیاه مشق
۵۶.....	جدول ۶ تقسیم بندی اشعار سایه در کتاب تاسیان بر اساس بحر سرایش آن ها

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۵۷.....	نمودار ۱ نمودار بحرهای کتاب سیاه مشق
۵۷.....	نمودار ۲ نمودار بحرهای کتاب تاسیان

۱- کلیات و تعاریف

۱-۱- مقدمه

داند از جان مرد موسیقی شناس

لحن موسیقی خلقت را سپاس

عطار نیشابوری

امروز نه آغاز و نه انجام جهان است ای بس غم و شادی که پس پرده نمان است
 گرمرد رهی غم مخور از دوری و دیری دانی که رسیدن هنر گام زمان است
 تو رهرو دیرینه‌ی سرمنزل عشقی بنگر که ز خون تو به هر گام نشان است
 آبی که برآسود زمینش بخورد زود دریا شود آن رود که پیوسته روان است
 (ه.ا.سایه)

این پژوهش که با عنوان «موسیقی شعر سایه» پیش روست، تحقیقی است پیرامون این موضوع که عوامل موسیقی شعر در شعر هوشنگ ابتهاج (ه.ا.سایه)^۱ کدامند. اما در ابتدا لازم است که علت انتخاب این موضوع و دلیل انجام این پژوهش بیان شود.

سایه از بزرگترین شاعران دوره‌ی معاصر است. بدون تردید پویایی و پیشرفت شعر معاصر، مدیون زحمات و شعر مردان کهنی چون اوست. شعر سایه در میان تمام ادب‌دوستان، چه آنان که به صورت آکادمیک به تحقیق و مطالعه در شعر او پرداخته‌اند، و چه عامه‌ی مردم که شعری از او به خاطر سپرده‌اند، دارای جایگاهی ویژه می‌باشد. زبان و بیان ساده و در عین حال زیبا و خیال‌انگیز، اندیشه‌ها و معانی بدیع و والای نهفته در اشعار سایه و از همه مهم‌تر پرداختن به آن‌چه که دغدغه‌ی مردم عصر اوست، یا به عبارتی داشتن شعری متعهد، از او شاعری منحصر به فرد و محبوب در بین مردم ساخته است.

علاوه بر این شناخت کامل سایه از موسیقی اصیل ایرانی؛ و آشنایی و همکاری او با بزرگان عرصه‌ی آواز و موسیقی از جمله استاد شجریان و لطفی باعث دقت بیشتر او برای گزینش وزن‌های زیبا و گوش‌نواز در اشعارش شده است.

از سویی دیگر پیوند عمیق و ناگسستنی که همواره بین موسیقی و شعر وجود داشته، و نیاز متقابل این دو هنر به یکدیگر، و تسلط و علم سایه به هر دو باعث بوجود آمدن ریتم و آهنگ دلنوازی در شعر اوشده است. ریتمی که با خواندن اشعارش بدون شک به این نکته خواهیم رسید که، شاعر بارها و بارها شعرش را از نظر موسیقایی سنجیده است؛ و شعری ناب و بدون نقص را تقدیم خواننده نموده است. البته ذکر این نکته ضروری است که توجه سایه به موسیقی شعرش به هیچ وجه او را از دنیای خیال‌انگیز شعر دور نکرده است.

بنابراین شعر سایه زیبایی‌های فراوان و قابل تأملی دارد. که یکی از برجسته‌ترین آنها موسیقی مندرج در شعر اوست، که مطالعه‌ای عمیق و دقیق را می‌طلبید، با توجه به فرصتی که برای انجام پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد پیش آمد، فرصت را غنیمت شمرده، موضوع «موسیقی شعر سایه» را برای پژوهش مدنظر قرار دادم. البته شاید تحقیق و مطالعه در این باب بسیار آسان جلوه کند، زیرا همان‌گونه که مطرح شد به نظر می‌رسد شاعر بارها شعرش را از بعد موسیقایی مورد جراحی قرار داده است. اما این نکته را نباید فراموش کرد که کم‌تر شاعری را می‌توان یافت که هم در عرصه‌ی شعر و هم در زمینه‌ی موسیقی فعال باشد، بنابراین بررسی موسیقی در شعر چنین شاعری باری عظیم است که اندکی بر شانه‌های این حقیر سنگینی می‌کرد. اما با توکل به خداوند متعال گام در این راه نهادم.

۱-۲- شعر چیست؟

پرسشی که شاید بارها ذهن تمامی کسانی را که خواسته‌اند پیرامون ماهیت آن سخن بگویند، به تفکر واداشته است. و هر کس به گونه‌ای راجع به آن سخن گفته است. اما آنچه مسلم است این که هیچ‌کدام از این تعریف‌ها نتوانسته‌اند به صورت کامل و جامع دنیای عظیم و در عین حال ناشناخته‌ی شعر را به تصویر بکشند. در حقیقت هر کدام از این تعاریف تنها گوشه‌ای از زیبایی‌های دنیای شعر را نمایان کرده است. «اگر تعریف شعر مطلقاً ممتنع نباشد، این قدر هست که تعریف دقیق و صحیح و جامع آن دشوار باشد» (تجلیل، ۱۳۶۹: ۷-۸)

نکته‌ی قابل توجه این است که کم‌تر شاعری را می‌توان یافت که قبل از سرودن شعر به ماهیت آن اندیشیده باشد، شعر همچون آبی زلال و روان در ذهن شاعر جاری می‌شود، شاعر می‌تواند به وضوح دنیایی دیگر را در آن به نظاره بنشیند، شاعر می‌تواند در دنیای جدیدش جای هر چیزی را آن‌گونه که بخواهد مشخص کند، می‌تواند قانون طبیعت را به هم بزند، جای شب و روز را عوض کند، آسمان و

زمین را به هم بدوزد و... . مهم‌ترین قسمت قضیه آن جاست که هیچ‌کس او را به خاطر این قانون-گریزی سرزنش نمی‌کند. پس شعر چه دنیای رویایی و شگفت‌انگیزی است. بنابراین از میان تعریف‌هایی که راجع به شعر آمده، هیچ‌یک را نمی‌توان کامل دانست. چون بخشی از شعر متعلق به دنیای ما نیست، الهامی است از عالم ماورا آن شناخت کامل آن تقریباً ناممکن و ورا تعریف است.

«در نظر برخی نقادان، شعر از نثر کهن‌تر است. به تعبیر هامان^۲ و هردر^۳، متفکران قرن هجدهم آلمان، شعر زبان مادری است. در مشرق زمین، آدم(ع) را نخستین کسی شمرده‌اند که شعر گفته است.» (حسن‌زاده، ۱۳۸۵: ۳)

- « شعر در عرف منطقی کلام مخیل است و در عرف متأخران، کلام موزون مقفی. (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

اما بسیاری از بزرگان و ادیبان تعریفی از شعر ارائه داده‌اند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:
« شعر زبان اسرار دل است و مخلوق عاطفه‌های حساس؛ و شاعری نوعی کیمیاگری است در طیف خیال، با واژگان زبان بر تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، ایهام، اغراق، سجع، جناس و سایر صنایع لفظی و معنوی است که همه از عوامل زیبایی آن به شمار می‌رود. شاعر برای انتقال عواطف خود به دیگران و برای متأثر ساختن آنان از زبان یاری همی جوید و این کار گزینش واژه‌هایی را از محفظه‌ی ذخیره‌ی الفاظ ایجاب می‌کند و نیز کنار هم چیدن آنها را، به گونه‌ای که آهنگی خاص از آن حاصل آید، بدیهی است که ترکیب و تلفیق این واژگان با یکدیگر موسیقی کلام شاعر را شکل می‌دهد. و نوعی گره‌خوردگی میان واژگان و موسیقی ساختمان شعر را پی می‌ریزد.» (کی‌منش، ۱۳۸۷: ۱)

- شعر سخنی است موزون- داستان، کلامی است بی‌وزن و موسیقی، لحن و وزنی است بی-سخن. (ملّاح، ۱۳۸۵: ۳۰)

- شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است. (شفیعی کدکنی) که در اینجا به بررسی عناصر موجود در تعریف شفعی کدکنی می‌پردازیم. عناصری از قبیل عاطفه، تخیل، زبان، آهنگ و شکل که پایه‌ی هر شعری سوای دنیای ناشناخته‌اش بر این عناصر استوار است.

عاطفه: نوعی احساس که ما را پای‌بند اجتماع کرده است، احساسی که با وجود آن حتی تصوّر تنها ماندن و یا تنها گذاشتن دیگران ما را آزار می‌دهد. حسّی که وجود آن باعث می‌شود شاعر

جامعه‌ی آرمانی‌اش را برای همه آرزو کند و در حقیقت این عاطفه است که باعث می‌شود «من‌ها» در شعر شاعران به «ما» بدل شوند.

تخیل: می‌توان گفت که تخیل در حقیقت همان دنیایی است، که شاعر حق هرگونه دخل و تصرف را در آن دارد. دنیایی که شاعر در آن مقید به هیچ قیدی نیست؛ اندیشه‌ی شاعر با تخیل جان می‌گیرد و با استفاده از این عنصر شاعر احساسش را بسیار ملموس‌تر به دیگران منتقل می‌کند. **زبان:** شاعر برای بیان اندیشه‌اش که آن را به عناصر عاطفه و تخیل آراسته است؛ نیاز به عنصر دیگری دارد، که زبان این فرصت را برای شاعر فراهم می‌کند. بنابراین زبان ظرف بیان اندیشه‌های شاعر است.

آهنگ (موسیقی): آنچه که باعث می‌شود لذت دریافت اندیشه‌های شاعرانه که مزین به عاطفه و تخیل است، با وجود آن چندین برابر شود. در حقیقت این وجود آهنگ و موسیقی است که شعر را دلنشین می‌کند. حال این موسیقی می‌تواند حاصل اوزان عروضی باشد و یا هرگونه هنرنمایی شاعرانه‌ای که باعث گوشنوازتر شدن شعر شود، از قبیل وجود تناسب حروف و کلمات یا وجود قافیه و ردیف یا هر عامل دیگری که باعث ایجاد موسیقی در شعر شود.

شکل: در واقع به آنچه که نشان‌دهنده‌ی پیوند متناسب همه‌ی عناصر موجود در شعر است، شکل شعر گفته می‌شود.^۴

۱-۳- موسیقی چیست؟

در تعریف موسیقی و چگونگی پیدایش آن در آثار گوناگون، و از دیدگاه اساتید این فن به تعاریف متعدد و متفاوتی برمی‌خوریم. آنچه در میان تمام این تعاریف مشترک و یکسان به نظر می‌رسد، تأکید بر این امر می‌باشد که موسیقی از آغاز آفرینش و در تمام ارکان خلقت وجود داشته است، و نمی‌شود تاریخ دقیقی را برای پیدایش آن ذکر کرد. برای نمونه می‌خوانیم: «هرگز نمی‌توان دوران پیدایش موسیقی ابتدایی بشر را حدس زد. اما به جرأت می‌توان گفت که پیدایش موسیقی با خلقت جهان همراه بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد که پیدایش موسیقی مقدم بر پیدایش زبان بوده است.

این موسیقی از صداهای مهارنشده و فریادگونه‌ای به وجود آمده که انسان‌های نخستین برای ایجاد ارتباط و بیان دردها و شادی‌ها و ابراز تأثرات روحی مختلف از آن مدد می‌جستند. در این مورد مدرک مدونی از زمان‌های دور در دست نداریم و این بدان جهت است که در مورد موسیقی

امکان ثبت آثار و اصوات در اختیار بشر نبوده است و بنابراین از این بی‌خبری در مورد موسیقی ملّی ما حتی، دوران نه چندان دور نیز وجود دارد.» (جواهری، ۱۳۸۷: ۲۷)

پس موسیقی نیز مانند شعر راهی برای بیان احساسات و عواطف به شمار می‌رود. که این خود دارای تقدّس و زیبایی ویژه‌ای می‌باشد. و آشنایی و علم سایه به هنر موسیقی تاثیر زیادی در سرایش شعرهای بدون نقص، او داشته است.^۵

۱-۴- پیوند موسیقی و شعر

موسیقی در واقع از مهم‌ترین ارکان سازنده‌ی شعر است، یعنی نمی‌توان نوشته‌ای را به صرف اینکه خیال‌انگیز و عاطفی باشد، شعر نامید. از تعاریف موجود در کتاب موسیقی شعر می‌توان این‌گونه برداشت کرد که شعر همیشه دارای موسیقی است و این موسیقی را گاه اوزان عروضی در شعر به وجود می‌آورند که «موسیقی بیرونی» نام می‌گیرد. زمانی وجود قافیه و ردیف سبب ایجاد موسیقی می‌شود که این نوع موسیقی را «موسیقی کناری» می‌نامند. گاه تناسب میان صامت‌ها و مصوت‌ها باعث ایجاد موسیقی در شعر می‌شود که به این نوع موسیقی «موسیقی درونی» اطلاق می‌شود و گاه وجود تناسب معنوی میان کلمات به وجود آورنده‌ی موسیقی در شعر است که «موسیقی معنوی» نامیده می‌شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۰۷-۳۱۳)

بنابراین چه در شعرهایی که در قالب‌های کهن سروده شده‌اند و چه شعرهای سپید و نیمایی، نمی‌توان وجود موسیقی را به عنوان عنصر لاینفک شعر منکر شد.

علاوه بر این می‌توان موسیقی را از عناصر مهم خلقت دانست؛ آفرینش متوازن پروردگار زیباترین موسیقی خلقت را به تصویر کشیده است.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان گردید پیوند موسیقی با شعر پیوندی عمیق و ناگسستنی است و تصوّر شعر بدون موسیقی تصویری باطل و بیهوده است.

برای دستیابی به تعریف موسیقی باید نخست عامل مشترک آن‌را با شعر شناخت در علم موسیقی ریتم را نخستین و مهم‌ترین عامل می‌دانند به عبارتی: «ریتم، نخستین و مهم‌ترین عامل مشترک بین شعر و موسیقی آوازی است که در شعر - و به‌طور کلی در کلام- از توالی هجاهای کوتاه و بلند و در موسیقی از توالی کشش‌های مختلف (سیاه، چنگ، دولاچنگ و غیره)^۶ به دست می‌آید.» (دهلوی، ۱۳۸۵: ۲۳)

«بنیاد ریتم و وزن - حتّی اگر دیدگاه عروضی را کنار بگذاریم- بر تکرار و تقارن است. خواننده نیز می‌باید ریتم اصلی شعر را که از این تقارن و تکرار برخوردار است، نمود بخشد. خواننده اگر در

این کار کامکار باشد، توان انتقال زیبایی های موسیقی بیرونی شعر به شنونده را داشته است و اگر نه، نمود بخشیدن دیگر ریتم های فرعی و تصادفی را کاری ارزشمند و هنری نمی توان شمرد.» (فیروزیان، ۱۳۸۸: ۴)

بزرگان عرصه ی ادب نیز این پیوند را مورد توجه قرار داده اند: «پیوند شعر با موسیقی مثل پیوند شعر با خیال و تصویرهای شعری به حدی استوار است، که گاهی جانشین عنصرخیال در شعر شده و شعر را با توجه به آن تعریف کرده اند.» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۶۰)

از دیرباز موسیقی و شعر را دو عنصر جدانشدنی از یکدیگر شناخته اند به گونه ای که «اقوام آریایی دعاهای خود را به شعر می سرودند و آن را با موسیقی تلفیق می کردند، زیرا معتقد بودند دعاهایی که الفاظش بنا به آهنگ موسیقی مرتب شده باشد، تأثیرش به مراتب بیش تر خواهد شد.» (فروغ، ۱۳۵۴: ۵)

«موسیقی گویاترین هنر برای بیان حالات و عواطف درونی انسان در میان هنرهای هفت گانه ی بشری است و همچون شعر، زبان دل و آینه ی احساسات و هیجانات روحی است... سقراط در مورد تأثیر این دو هنر گوید: «به گمان من پرورش روح به وسیله ی شعر و موسیقی رکن عمده ی تربیت است، به سبب آن که وزن و آهنگ با لطافتی که مخصوص آن هاست، نفوذی خاص و تأثیری عمیق در روح دارد.» (روحانی، ۱۳۳۵: ۱۷۶)

اما در تعریفی دیگر به نکته ای حساس در رابطه با پیوند شعر با موسیقی اشاره می شود: «یکی از موارد حساس در پیوند شعر و موسیقی آوازی، انتقال و انعکاس مفاهیم شعر در آواز است. ملودی آوازی باید با معنای کلام هماهنگ باشد و شعر و موسیقی از لحاظ بیان اندیشه هر دو یک فکر و یک احساس را بیان کنند.» (دهلوی، ۱۳۸۵: ۲۰۷)

۱-۵- سایه کیست؟

امیر هوشنگ ابتهاج سمیعی گیلانی متولد ۶ اسفند ۱۳۰۶، متخلص به «هالف سایه»، شاعر و موسیقی پژوه ایرانی است. ابتهاج در رشت متولد شد. پدرش آقاخان ابتهاج از مردان سرشناس رشت و مدتی رئیس بیمارستان پورسینای این شهر بود. هوشنگ ابتهاج دوره تحصیلات دبستان را در رشت و دبیرستان را در تهران گذراند؛ و در همین دوران اولین دفتر شعر خود را به نام نخستین نغمه ها منتشر کرد. ابتهاج مدتی به عنوان مدیر کل شرکت دولتی سیمان تهران به کار اشتغال داشت.

ابتهاج از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ سرپرست برنامه گل ها در رادیوی ایران (پس از کناره گیری داوود پیرنیا) و پایه گذار برنامه موسیقایی گلچین هفته بود. تعدادی از غزل های او توسط موسیقی دانان ایرانی